

امین الله حسین

از «رنه دومس نیل»
(René Dumesnil)

این مقاله ترجمه متن سخنرانی است که چندی قبل «رنه دومس نیل» نقاد و موسیقی دان مشهور فرانسوی بمناسبت انتشار صفحات جدیدی که از آثار حسین تهیه شده در انجمن فرانسه و ایران در پاریس ایراد کرده است

اگر من قبلاً از انجمن فرانسه و ایران و بخصوص از خانم «هلو»^۱ که روح فعال آنست تجلیل نکنم، از انجام مقدماتی ترین وظایف کوتاهی کرده‌ام. خانم «هلو» ابتکارات و حسن نیت خود را در خدمت فعالیتت بکار میبرد که خدمات بسیار پر دامنه‌ای بفرهنگ دو کشور با انجام رسانده است. امروز ما برای شنیدن آثار حسین استاد ایرانی گرد آمده‌ایم. آنچه موجب موفقیت آثار مزبور شده و تاحدی فوق العاده و غیر معمولیست اینست که حسین کلیه خصوصیات بدیع کشور خود، ایران تمدن کهنسال و سرزمین باستانی، را که زادگاه اوست در خود دارد. مدت اقامت مدید وی در فرانسه (که وی بسن بلوغ بدانجا آمده و تقریباً هرگز ترکش

۱ - «Madame Helleu» خانم سفیر کبیر اسبق فرانسه در ایران و دبیرکل انجمن فرانسه و ایران در پاریس.

نکرده است) نه فقط لطمه‌ای بخصوصیات مزبور وارد نساخته بلکه برعکس آنها را توسعه داده و مستحکم ساخته است .
این موضوع اندکی اعجاز آمیز است (زیرا در حقیقت در این مورد چیز فوق العاده‌ای هست که استعمال این لفظ را مجاز میسازد) ولی اعجازی که در تاریخ موسیقی نظایر نادری دارد: «مانوئل دو فایا» بسال ۱۹۰۷، با نسخه دستخط «زندگی کوتاه» پیاریس آمد و قصد داشت که برای مدت کوتاهی که بلیط رفت و برگشتش اجازه میداد در آن شهر بماند . ولی وی مدت هفت سال در آنجا ماند . در همانجا بود که ، در يك آپارتمان کوچک « پاسی » ۱ ، و در حالیکه با زندگی هنری پر جوش و خروش پیاریس درهم آمیخته بود، غلیبان تمام ملیت اسپانیایی خود را بناگاه احساس نمود ، همان احساسی که شاهکارهایی چون « شبها در باغهای اسپانی » و «سیت کانچیون» (که در دوهزار کیلومتر دورتر از «اندلسی» نوشته شده است) مشحون از آنست .

يك چنین داستانی برای دوست ما حسین هم پیش آمده است . موسیقی او نیز از لطف و حالت میهنش نشانی دارد و ، چون میوه‌هایی که طعم خود را مدیون خاکی هستند که درختشان را پرورانده است، صفات سرزمینش را بیان میدارد . حسین دور از ایران بی تردید بهتر توانسته است موسیقی ایران را بفهماند و بخواند تا اگر در ایران اقامت میداشت . شاید عشق بمیهن هم، چون برخی عشقهای بشری، در نتیجه دوری و غیبت نه فقط ضعف و سستی نمی پذیرد بلکه عمیق تر و مستحکم تر میشود . هر آنچه در خاطر و حافظه، ازدوری و غربت از سرنو زنده میشود، از قید حشو و زوائد آزاد شده و لطیف تر و پاک تر می گردد .

حسین با آشنائی با وسائل فنی غربی ما، چیزی از بسدعت و خصوصیت هنر خود را از دست نداده، بلکه بدینوسیله قدرت بیانی بدست آورده است که گفتنی‌های خود را، بزبانی که ما بی اشکال درمی یابیم و از ابهام ترجمه برکنار است ، بما عرضه می دارد . گفته اند که موسیقی يك زبان جهانیست . این گفته صحیح است ولی هنگامیکه این زبان فکر هنرمند واقعاً بدیعی را باز میگوید نشانی از شخصیت هنرمند و در عین حال اثر عمیق صفات ملی و حتی ایالتی را در خود دارد ؛ در فرانسه هیچکس يك ترانه ایالت « برتانی » را با يك

۱ - " Passy " از مجله‌های مشهور پاریس .

نعمه ایالت «پرووانس» اشتباه نمیکنند. حسین با استعمال تمهیدات آهننگ سازی غربی و سازهای ارکسترها، از آنها موسیقی ای بیرون می کشد که از سرزمینی دوردست، از مرز وبومی که در آن زاده شده است، از کشوری که زیباترین گلهای سرخ را در خود می پروراند می آید... و این معنی را شما چند لحظه بعد با شنیدن موسیقی ای که همچنان دل انگیز است در خواهید یافت.

شبی در زمستان سال ۱۹۴۵-۶، در تالار «پله یل» ارکستر «کولون» برهبری «گاستون پوله» (G. Poulet) کنسرتی داد که در ضمن آن آثاری از حسین اجرا شد. من تا آن زمان با حسین اندک آشنائی ای بیش نداشتم. در آن شب اثر قابل تحسین حسین موسوم به «سنفنی شن ها» (Symphonie Des Sables) جزء برنامه بود. در این سنفنی خاموشی غم انگیز بیابان بی کران ناگهان بغوغا و آشوب گردباد مبدل میشود. کاروانی که جلو میرفت از حرکت باز می ایستد و مردان و حیوانات در این میان بهلاکت میرسند. در این چند صفحه ارکستری یکی از نقاشیهای صوتی بزرگ میتوان یافت که ایجاز و عظمت آن يك شخصیت هنری درجه اولی را آشکار می سازد. من آرزو می کنم که این اثر و همچنین سنفنی دوم، خرابه های تخت جمشید، زودتر بسرروی صفحه ضبط گردد.

اینك آثار دیگری از حسین را خواهید شنید که تنوع وسائل و قدرت فنی و برا نشان خواهد داد.

وی همچون سیاحی پرسابقه است که از مسافرت های خود خاطرات فراوان به همراه آورده است. ولی در آثار او روایات و بازگویی صرف «فولکور» وجود ندارد. این يك نعمت و استعداد شخصی است که بجای اینکه از موسیقی عامیانه «تم» ها و ترانه های بیرون بکشند، بکنوع غذای روحی و معنوی بدست آورند که بیک خلاقیت هنری بدیع بیانجامد.

گذشته از سنفنی ها، که ذکرش رفت در میان آثار حسین از دو کنسرتو برای پیانوی او را باید ذکر کرد. دومین این کنسرتوها را امشب شما خواهید شنید. این کنسرتو بوسیله «ژنویوژووا» (G. Joy) نواخته شده است که چنانکه میدانید یکی از بهترین نوازندگان فرانسوی همسن خود میباشد و یکی از هنرمندان است که قریحه و هنر خود را در خدمت موسیقی معاصر بکار می اندازد. این اثر در لندن بوسیله ارکستر سنفنیك لندن نواخته

شده و برهبری « تونی او بن » (T. Aubin) هم در برنامه رادیوی فرانسه اجرا شده است .

چندی قبل در لیسن، باله ای از حسین موسوم به « کازیمودو » برای نخستین بار اجرا شد که رقص نویسی آن اثر « سرژ لیفار » بود و خانم « ایوت-شوویره » (Y. Chauviré) نقش « ازمرالدا » را بعهده داشت . این اثر قسمتی است از کتاب مشهور « ویکتور هوگو » بنام « تتردام دوپاری ». صفحاتی که خواهید شنید بوسیله شرکت « دو کرته تومپسون » تهیه و بوسیله ارکستر تاتر شانزه لیزه برهبری « آندره ژوو » (A. Jouve) و با شرکت خانم « ماری-ترزکان » (M. T. Cahn) (قسمت آوازی - مینیاتور های ایرانی) اجرا شده و با مساعدت اداره کل هنر های زیبای ایران بچاپ رسیده است . « کنسرتو » که قسمت اول این برنامه است مطابق الگوی کلاسیک سه بخشی آلگرو، آندانته، و آلگرو سکرزاندو نوشته شده، بخش اول بتناوب جنبه هزل انگیز و جنگی، و بخش دوم حالتی متفکر و استغاثه ای دارد. بخش سوم که بر روی وزن رقص است که ضرب های درهم آن زیبایی خاصی بوجود می آورند .

پس از آن « نقاشی های با سمه ای ژاپنی » (Estampes Japonaises) و « پروانه فروش » (Marchand de papillons) را خواهید شنید . با اثر نخستین آهنگساز ما را بخاور دور میبرد . در این اثر وی استعداد رنگ آمیزی موسیقی خود را بظهور میرساند و همچنین شخصیت هنرمندی را نشان میدهد که در قصه و افسانه جز بهانه ای برای نمایاندن مختصات يك هنریگانه نمیجوید و، بصورتی موجز، شگفت ترین جنبه های روحی ملتی را عرضه میدارد .



در سوئیت رقص هائی که « مینیاتور های ایرانی » خوانده میشود، حسین مارا برای گردش در کشور خود راهنمایی میکند . این گردش سفری در زمان و فضا است : در اینجا نیز روح يك ملت و سنت های اوست که سرچشمه الهام اثر موسیقی میباشد . ولی در این اثر نباید بیهوده بجستجوی يك قطعه « فولکوریک » مستقیم پرداخت . این قطعه تصویر صوتی ملتی و نژاد است که در طی فراز و نشیب تاریخ و روزگار پاکی و اصالت خود را حفظ کرده است، بیان جنبه های متضاد ملایمت پر لطف و تند پر شور آنست .

نخستین این قطعات «رقص ساقی» (Danse de l'Echanson) نام دارد
و توصیف یکی از رباعیات عمر خیام میباشد .

سپس «آواز شتربان» (Le Chant du chamelier) مارا بدنبال
کاروان به بیابان رهبری میکند و یک صدای «آلتو» در میان خاموشی طبیعت
برمی خیزد

«رقص قرقیزی» (Danse Circassienne)، که پس از آن خواهید
شنید، رقص خنجر که ضربها و اوزان صریح و تندی دارد . قطعه چهارم
«لوطی‌ها» (Les Balladins) خوانده میشود و از راه رسیدن ارا به‌های
موسیقی دانان دوره گرد را توصیف میکند . بعد از آن یک رقص جنگی پر شور
و پر حالت شنیده خواهد شد . قطعات «پیش از نبرد» (Avant le Combat)
و «شکوۀ عشق» (Plainte d'amour) با نوای ملایم نی، با اوزان برخاش آمیز
قطعه قبلی تضادی ایجاد میکند . و بالاخره «مسخرگان» (Les Bouffons)
بر روی وزن تند و پرهیجانی وارد میدان میشوند .

اکنون، مینیاتورهای «ایرانی» بشما خانمها و آقایان، خیلی بهتر از
آنکه من بتوانم بگویم، نشان خواهد داد که بچه‌علت آقای حسین شایسته اینست
که در میان چند هنرمند ممتاز جای بگیرد، هر مندانی که نامشان آنچه را که
ما در کشوری دوست داریم و می ستائیم بیادمان می آورد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی